



قلبی که ظرف قرآن باشد در دوران کهنسالی گرفتار فراموشی نمی‌شود

قلبی که ظرف قرآن باشد در دوران کهنسالی گرفتار آلزایمر و فراموشی نمی‌شود. ممکن است کسی درس و بحث قرآن داشته باشد اما قلبش ظرف قرآن نباشد. قلبی که ظرف قرآن شود اگر هم پیر شود و عمر طولانی داشته باشد آبرومندانه زندگی می‌کند.

قلبی که ظرف قرآن باشد در دوران کهنسالی گرفتار آلزایمر و فراموشی نمی‌شود. ممکن است کسی درس و بحث قرآن داشته باشد اما قلبش ظرف قرآن نباشد. قلبی که ظرف قرآن شود اگر هم پیر شود و عمر طولانی داشته باشد آبرومندانه زندگی می‌کند. به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله العظمی جواد آملی چهارشنبه، 9 بهمن ماه، در تفسیر آیات 63 تا 69 سوره مبارکه یاسین بیان کرد: اصل برهانی را که خدای سبحان ارائه می‌کند این است که اگر معادی نباشد لازم‌هاش این است که حق و باطل، کفر و ایمان، خیر و شر، صدق و کذب یکی باشد برای اینکه این‌ها همه می‌میرند و بعد از مرگ هم کسی زنده نمی‌شود که پاداش یا کیفر ببیند و این محال است.

وی ادامه داد: همان طور که خداوند بارها در قرآن آن را باطل و محال شمرده است و در آیه 35 سوره قلم می‌فرماید: «أَفَتُجْعَلُ الْمُتَسَلِّمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ؟» با این وصف آیا شما مشرکان می‌پندارید که ما فرمانبرداران را همچون گناهکاران قرار می‌دهیم و به هر دو گروه در آخرت ناز و نعمت می‌بخشیم؟ و اگر کسی خیال کند که آن عالم هست ولی آن عالم هم مثل همین عالم است که هر کس می‌تواند مثل این عالم از راه باطل به مقصودش برسد که برخی‌ها طبق آیات 36 و 37 مبارکه سوره کهف چنینی پنداری داشتند را باطل می‌دانند.

تشریح معنای شهادت اعضا و جوارح

این مرجع تقلید عنوان کرد: همان طور که در آیات قبل بیان شد در روز قیامت خداوند تبهکاران را از مومنان و بهشتیان جدا می‌کند و آنان را مورد خطاب قرار می‌دهد و این مسئله تا آیه 64 این سوره ادامه دارد اما در آیه 65 این خطاب برای تحقیر این تبهکاران و جهنمیان تبدیل به ضمیر غایب می‌شود. «الْيَوْمَ تَحْتِمُ عَلَى أَفْوَاحِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» آن روز بر دهان‌هایشان مهر خموشی می‌زنیم و اعضایشان را به سخن درمی‌آوریم؛ دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و از گناهانی که به وسیله آنها انجام شده است به ما خبر می‌دهند، و پاهایشان نیز به گناهانی که فراهم آورده‌اند، گواهی می‌دهند» یعنی امروز می‌خواهیم کار تازه‌ای انجام دهیم این در حالی است که قبلاً قلب‌هایشان را مهر کردیم امروز دهانشان را مهر می‌کنیم. در دنیا اگر چه قلب‌شان مهر شده بود اما دهانشان را باز گذاشته بودیم تا هر چه می‌خواهند بگویند اما امروز دهانشان را می‌بندیم که دیگر نتوانند حرف بزنند. اما اعضا و جوارح آنها حرف می‌زنند و شهادت می‌دهند. این شهادت به این معنا نیست که دست یا پا این کارها را کرده باشند بلکه معنای این شهادت علیه نفس انسانی است. در حقیقت او بوده است که همه گناهان را به وسیله دست و پا و دیگر اعضا انجام داده است.

وی ادامه داد: شهادت در قرآن دو قسم است یا شهادت عملی است و یا شهادت قول است. شهادتی که مال دست و پا است همان شهادت قولی است که خداوند آنها را به حرف در می‌آورد «وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ» و آنان به پوست خود می‌گویند: چرا بر ضد ما گواهی دادید؟ می‌گویند: همان خدایی که همه چیز را ناطق ساخته ما را به سخن درآورده است، فصلت/ 21 «اینجا واقعا نطق است و واقعا حرف است و خداوند آنها را به حرف آورده است. اما شهادت عملی بنابر آنچه مرحوم شیخ طوسی از شیعه و هم جناب زمخشری از اهل سنت گفتند در ذیل آیه 18 سوره نباء بیان شده است که «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ نُفَاتُونَ أَفْوَاجًا» عده‌ای به صورت حیوان در می‌آیند آن روز دیگر شهادت، شهادت عملی است. اگر کسی به صورت گرگ در آمده، دیگر نیازی نیست که درندگی خود را به زبان بیاورد تمام دست، پا، مو و همه بدن او شهادت به درندگی است.

آیت‌الله جواد آملی بیان کرد: ذات اقدس اله در آیه بعدی به این اشاره می‌کند که این طور نیست که ما نتوانیم بساط آنها را در دنیا بر چینیم ولی به آنها میدان می‌دهیم «وَلَوْ تَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ» و اگر می‌خواستیم، چشمانشان را محو و بی‌فروغ می‌کردیم؛ آن گاه می‌خواستند به سوی راه درست که آنان را به مقصد برساند، بر دیگران سبقت گیرند ولی با این حال چگونه می‌دیدند؟ اگر ما اینها را نابینا کنیم اینها جایی را نمی‌توانند ببینند که بخواهند راه بروند.

مسخ‌شدگان هویت خود را از دست می‌دهند

این مفسر قرآن کریم اظهار کرد: درد آورتر از آن این است که اگر بخواهیم آنان را مسخ می‌کنیم. «وَلَوْ تَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَاتَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ» و اگر می‌خواستیم، آنان را بر سر جایشان مسخ می‌کردیم و شکل‌شان را زشت و قبیح می‌ساختیم، آن گاه نه می‌توانستند در آن عذاب حرکتی کنند و نه به حالت نخست خویش بازگردند» اگر اینها را مسخ کردیم بدتر از نابینا خواهند بود؛ چرا که نابینا اگر چه نتواند راه را ادامه دهند اما ممکن است با هوش و با یاد آوری گذشته بتوانند برگردند اما در مورد کسانی که مسخ می‌شوند این طور نیست خداوند می‌فرماید آنها که مسخ شدند نه راه رفتن دارند و نه راه برگشتن، چرا که کل هویت آنها عوض شده است.

خداوند نعماتی را که به انسان داده به تدریج می‌گیرد

آیت‌الله جوادی آملی عنوان کرد: اینها این گونه در قدرت ما هستند اما ما اینها را آزاد گذاشتم تا ببینیم اینها چگونه عمر خود را صرف می‌کنند. ما تمام نعمت‌ها و قدرت‌ها را موقتی و برای آزمون در اختیار بشر قرار دادیم و ما همان طور که آن را به تدریج دادیم به تدریج هم می‌گیریم. بنابراین ما در پیری توان بدنی، اعضا و جوارح، هوش و استعداد و حافظه اینها را می‌گیریم. در آیه 70 سوره نحل این جریان ترسیم شده است «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لَكُمْ لَا يَعْلَمُ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ» و خدا شما را آفرید، سپس چون به عمری متوسط رسیدید شما را می‌میراند، و برخی از شما کسانی‌اند که به فروترین دوران عمر رسانده می‌شوند و چنان فرتوت می‌گردند تا پس از دانستن، چیزی ندانند. قطعاً خدا دانا و تواناست.»

وی ادامه داد: در ذیل این آیه روایتی بیان شده است که قلبی که ظرف قرآن باشد در دوران کهنسالی گرفتار آلزایمر و فراموشی نمی‌شود. در این تعبیر تاکید شده قلبی که ظرف قرآن باشد نه درس قرآن نه بحث قرآن. ممکن است کسی درس و بحث قرآن داشته باشد اما قلبش ظرف قرآن نباشد. قلبی که ظرف قرآن شود اگر هم پیر شود و عمر طولانی داشته باشد آبرومندانه زندگی می‌کند.

انسان دو وجه خلقی و امری دارد

آیت‌الله جوادی آملی بیان کرد: انسان دو وجه دارد وجه خلقی که همان قدرت‌های انسانی است و وجهه امری که همان فطریاتی است که خداوند در درون انسان قرار داده است بر اساس آیه 68 سوره یاسین «وَمَنْ تُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ» (شما می‌بینید که) به هر کس عمر دراز دهیم، او را در آفرینش واژگونه می‌کنیم و نیرویش را به ناتوانی و دانشش را به جهل و هوشیاریش را به فراموشی مبدل می‌سازیم؛ پس چرا خرد را به کار نمی‌گیرند و در نمی‌یابند که ما می‌توانیم چشمانشان را نابینا سازیم و آنان را مسخ کنیم؟! اگر انسان جنبه امری را حفظ کرده باشد او را ضعیف نمی‌کنیم و فقط جنبه خلقی و آنچه ابزار کار او در دنیا است ممکن است کم کنیم ولی روحی که مسلط باشد می‌تواند ترمیم کند.

این مرجع تقلید عنوان کرد: آنهایی که خیلی با شادابی زندگی می‌کردند و زندگی را فقط با شادابی و نشاط می‌دیدند در دوران کهنسالی وقتی در خانه سالمندان می‌روند، سرگردانند. اما یک انسان موحد در دوران کهنسالی خوشحال و همیشه فرحان است؛ چرا که می‌داند آینده خوب در انتظار اوست. اگر به چهره کهنسالان در خانه سالمندان نگاه کنید می‌بینید بیشترشان مبهوت‌اند اینها نمی‌دانند کجا می‌روند اما کسی که مومن است چون آینده‌ای برای خود ترسیم کرده است فرحان است. هرگز انسان مومن در دوران کهنسالی احساس پوچی نمی‌کند چون می‌داند برای چه زندگی کرده و کجا خواهد رفت.